

آخوندهای ضدایرانی و ضداسلامی از گرداب بیماری و مرگی که برای مردم ایجاد کرده‌اند

خلاصی نخواهند داشت

اردیبهشت ۱۳۹۹

سخنرانی مریم رجوی به مناسبت آغاز ماه مبارک رمضان

سلام و درود بر هموطنان عزیز،

ماه رمضان است؛ ماه تقوای رهایی‌بخش؛ برای صیقل‌زدن اراده‌ها و برای آمادگی هر چه افزون‌تر مجاهدین و مجاهدت آن‌ها، در نبرد با دشمنان حیات و آزادی و حقوق مردم ایران.

ماه پرسش از گرسنگی و محرومیت فرودستان است؛ تا در پرتو عبادت روزه‌داری وجدان جامعه بشری از این رنج طولانی برانگیخته شود که بی‌عدالتی تا کی؟ گرسنگی تا کی؟ قربانی شدن مردم در بیماری و ناداری تا کی؟

بله، ماه پرسش از تیره‌روزی بی‌پناهان است، از سرنوشت بیماران؛ از آن‌ها که حذف و طرد گشته، به حاشیه‌ها و بیغوله‌ها رانده شده‌اند.

از مردمی که حق داشتن سلامتی از آن‌ها سلب شده است و از مردمی که حق‌شان برای زندگی آزاد و برابر، لگدمال عمامه‌داران وحشی و چپاولگر شده است.

در عین حال، رمضان ماه علی است؛ ماه پیشوای محرومان و ستم‌زدگان. ماه پیشوای عدالت و عدل‌گستری.

خود او درباره مفهوم عدالت گفته است: «وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عام»

یعنی عدل نگاهدارنده و نگهبان همگان یعنی کل جامعه و مردم و آیین همگانی است. اما آیین و عملکرد آخوندها درست در نقطه مقابل حضرت علی، بر ظلم و جنایت و چپاول است.

ماه رمضان، ماهی است که در آن آخوندهای حاکم هرچه بیشتر رسوا می‌شوند که چه بلایی بر سر توده‌های مردم آورده‌اند.

در آئینه رمضان، تصویر صاحبان و سرنشینان اتومبیل‌های صدها هزار دلاری در برابر اکثریت عظیم و در حال گسترشی که در بیماری، فقر، گرسنگی و اختناق می‌سوزند، برجسته‌تر می‌شود.

تصویر سفره‌های رنگارنگ یک اقلیت ناچیز در برابر سفره‌های تهی‌شده دهها میلیون ایرانی غارت شده.

تصویر کاخ‌ها، ویلاها و زندگی‌های شاهانه آخوند-میلیاردرهای منفور در مقابل حلبی‌نشین‌هایی که آه در بساط ندارند.

مردمی که شغلی برای امرار معاش، مسکن مناسبی برای زیستن و دارو و درمانی برای خلاصی از بیماری ندارند. مردمی که با وجود شیوع کرونا، هر روزی که برای قوت لایموت و امرار معاش از خانه بیرون نروند، چیزی در سفره ندارند. گو این که خانه‌های تنگ و نمود و پرازدحام‌شان هم، جایی برای درمان ماندن از کرونا نیست.

چرا دچار این وضعیت شده‌اند؟ چون آخوندهای حاکم، دارایی‌ها و حقوقی را که متعلق به مردم است، از آن‌ها ربوده‌اند.

هم‌چنان که قرآن می‌گوید:

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ

فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ

وَ لَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ

الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُنَ

وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

آیا دیده‌ای آن را که به دین پیرایه و دروغ می‌بندد؟
او همانست که یتیم را می‌راند.

و بر غذا دادن به بینوا رغبت و ترغیب نمی‌کند

پس وای بر نمازگزاران،

آنان که در نمازشان در غفلتند و ریا می‌کنند.

و مانع و انحصارکننده منابع تولید و ثروت‌های عموم مردمند.

پدر طالقانی در پرتوی از قرآن درباره مفهوم ماعون نوشت: «اگر نماز نمازگزاران، دور از ریا و مقرب به‌خدا باشد، باید بکوشند تا منابع زندگی و وسائل عمومی آن در دسترس همه واقع شود. باید حقوق مشروعه خلق را ادا کنند و باید چشم‌شان به‌سوی خدا و دست‌شان برای دست‌گیری بینویان و ستمزدگان باز باشد. اگر چنین بودند و خود را مسئول خلق می‌دانستند، نماز را در معنا و صورت به‌پا داشته‌اند، و گرنه، تنها ریاکارند؛ نه بپا دارنده نماز... ماعون به وضع و اقتضای طبیعی، برای انتفاع عموم است و آنچه آن را محدود و عموم را از بهره‌برداری محروم می‌دارد، همین مردمان مانع و متجاوزند.

پس برای برگشت به وضع اصلی و طبیعی که تعمیم منابع ثروت است، باید این مانع‌ها برکنار شوند و دستشان کوتاه گردد»

بله باید دست غارتگران و ستمکاران حاکم را از حقوق مردم ایران کوتاه کرد. و باید حاکمیت بیداد و چپاول و استبداد را به‌زیر کشید.

در حاکمیت آخوندی، رمضان هر سال، رمضان گرسنگی و محرومیت و اجبار برای اکثریت مردم بود. و حالا دردناک‌تر این‌که به‌خاطر گسترش کرونا توسط آخوندها و ده‌ها هزار قربانی آن، بیماری و داغ و درد هم بر آن افزوده شده است.

کرونا البته یک بیماری عالمگیر است. اما در ایران به‌دلیل ولایت فقیه، به دلیل یک رژیم ضدانسانی، ضداسلامی و ضدایرانی، موضوع متفاوت است.

هم‌چنان که مسعود گفت، نباید وضعیت و شرایط ایران و خطی را که رژیم در فاجعه کرونا در پیش گرفته با سایر کشورها مقایسه کرد. این‌جا صحبت از مدل چینی یا اروپایی و آمریکایی، بیراهه رفتن است.

این‌جا خط خامنه‌ای و روحانی یک چیز بیشتر نیست: حفظ رژیم از خطر قیام. از اینرو عیناً مثل جنگ ضدمیهنی و مثل قتل عام زندانیان سیاسی، استراتژی کلان تلفات انسانی و فرستادن مردم به میدان‌های مین کرونا را در پیش گرفته‌اند. وزارت بهداشت همین رژیم پیش‌بینی کرده که تا پایان اردیبهشت تعداد مبتلایان می‌تواند تا یک میلیون و ۱۶۰ هزار نفر افزایش پیدا کند.

با بیماران دردمندی که کف پیاده‌روها یا در اطراف بیمارستان‌ها به حال خود رها شده‌اند، گورهای بی‌شمار، آمارهای هولناک کشتگان کرونا و تهدید گرسنگی و قحطی فراگیر، ارتش گرسنگان و حتی زنده به‌گور کردن جوجه‌های گرسنه...

این وضعیت جامعه مضطرب ایران تحت حاکمیت یک رژیم ضدبشری است.

یک رژیم ضدبشری، با کارنامه‌یی از اعمال ضدبشری

یک رژیم ضدبشری، با کارنامه‌یی از اعمال ضدبشری در ۴۰ سال گذشته و یک سیاست ضدبشری در حال حاضر.

در سال ۱۳۶۱، در جمع‌بندی نخستین سال مقاومت مسلحانه سراسری مسعود گفت: «ما رژیم خمینی را یک دیکتاتوری ضدبشری و دجال می‌شناسیم. ...چرا می‌گوییم خصلت ضدبشری؟ به‌خاطر این که کلمات ضدخلقی و ضدانقلابی رسا نیستند. کلمه ضدخلقی و ضدانقلابی مال شاه بود. اما از موضع مادون سرمایه‌داری، یعنی از موضعی که خمینی حرکت می‌کند، با توجه به ابعاد جنایاتش، با توجه به این که واقعا علی‌الدوام و از اساس کمر به‌هلاک حرث و نسل بسته، کلمه "ضدبشری" گویاتر است.»

با این توصیف، حالا نگاه کنیم به آن‌چه که این رژیم از شروع حاکمیت‌اش تا امروز انجام داده است؛ حقیقتاً این فاجعه‌آفرینی‌ها فقط با کلمه ضدبشری قابل توضیح است. این رژیم فقط سرکوب و غارت نکرده؛ بلکه منهدم کرده، سوزانده، خشکانده و ریشه‌کن کرده. این را در همه

جا می شود دید: در محیط زیست، در اقتصاد، در اخلاق و فرهنگ جامعه، در آموزش، در زیربناها، در روستاها و شهرها، در منابع آب، در صنعت و کشاورزی و در بهداشت و درمان و بیمه‌های اجتماعی. بله همه جا را ویرانه و ویران سرا کرده است.

۴۰ سال حکومت آخوندها، بنیان بهداشت و سلامت و رفاه جامعه را به میزان زیادی از بین برده و جامعه و کشور ما را در دفاع از خود در برابر بیماری‌های فراگیر ناتوان کرده است.

پنهان کاری و بی‌عملی رژیم، علت گسترش شتابان کرونا در ایران

وقتی ویروس کرونا به ایران سرایت کرد و اولین موارد در گذشت مبتلایان به بیماری مشاهده شد، آخوندها به‌خاطر نمایش ۲۲ بهمن و شعبده انتخابات، آن را پنهان کردند. دیدید که وزیر کشور آخوندها صریحاً اعتراف کرد که حتی توصیه‌ها و درخواست‌ها برای عقب انداختن انتخابات را نپذیرفته. یعنی کرونا در حال گسترش بود و آخوندها در حال برگزاری آن خیمه‌شب بازی.

کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت ده‌ها سند از سازمان اورژانس و از نیروی انتظامی رژیم در این باره منتشر کرد و جای هیچ تردیدی باقی نگذاشت که آخوند روحانی دروغ می‌گوید که از ۳۰ بهمن از شیوع کرونا خبردار شده. اسناد نشان می‌دهد که از اوایل بهمن آمبولانس‌ها به نقل و انتقال بیماران مبتلا به کرونا مشغول بودند.

بالاخره، بعد از ۳ ماه تکذیب و انکار، مهره‌ها و مقامات رژیم، در اواخر فروردین شروع به اقرار کردند.

وزیر بهداشت همین آخوند روحانی گفت که از اواخر دی یعنی دست کم یکماه قبل از ۳۰ بهمن بود که آخوند روحانی ادعا می‌کند که خبردار شده، او تقاضای تشکیل جلسه اورژانس برای قطع پروازها به چین را داشته و خواهان تعطیلی مدارس و اجتماعات و اماکن مذهبی بوده است.

همین‌طور، جلالی سرکرده پدافند غیرعامل رژیم در تلویزیون رژیم گفت که وقتی کرونا در چین شیوع پیدا کرد ما در دیماه جلسات داخلی داشتیم، جمع‌بندی کردیم اوضاع را رصد کردیم که چه

اتفاقی می‌افتد... و در پنجم بهمن اولین جلسه رسمی را گذاشتیم همه دستگاه‌های ذیربط را دعوت کردیم ...

پس خیلی روشن است که بی‌عملی هدفمند سران رژیم از دیماه برای درز نکردن خبر شیوع کرونا، درها را برای گسترش شتابان بیماری در سراسر ایران باز کرد. وقتی هم افزایش هولناک جان باختگان، دیگر جایی برای کتمان و انکار باقی نگذاشت، خامنه‌ای و روحانی به سیاست‌ها و اعمال ضدبشری رو آوردند.

کوچک‌نمایی و عادی‌سازی بحران کرونا

این سیاست در چند مؤلفه صورت گرفته و ادامه دارد:

اول در کوچک‌نمایی و عادی‌سازی بحران کرونا. خامنه‌ای پی‌درپی تکرار می‌کند: «این بلا آن‌چنان بزرگ نیست و بزرگ‌تر از آن هم وجود داشته است» و آخوند روحانی مدعی است که اوضاع رو به‌بهبود است.

آن‌ها تعداد جان‌باختگان را کم جلوه می‌دهند تا اقدامی برای مقابله با بیماری نکنند.

تعطیل حداقل وظایف دولت

دومین مؤلفه سیاست ضدبشری آخوندها این است که آنچه را وظایف هر دولتی در شرایط اضطراری است، تعطیل کرده‌اند.

یعنی شهرهای بحران‌زده را قرنطینه نمی‌کنند، بودجه و تجهیزات بیمارستان‌ها و حقوق پرستاران و پزشکان را تأمین نمی‌کنند، از احداث ضربتی بیمارستان‌های جدید سرباز می‌زنند، حاضر به پرداخت حقوق به کارگران و کارمندان و صاحبان مشاغل که نباید در محل کار خود حاضر شوند، نیستند و از به‌کارگیری امکانات دولتی و به‌خصوص منابع مالی و فنی انباشته در هلدینگ‌ها و شرکت‌های سپاه پاسداران و ستاد اجرایی خامنه‌ای سرباز می‌زنند.

استراتژی کلان تلفات انسانی و فرستادن مردم به میدان‌های مین کرونا

سومین مؤلفه این سیاست، سوق دادن اوضاع فعلی به طرف یک مرگ و میر کلان است. زحمتکشان و مردم بی دفاع و بی پناه را در ابعاد وسیع اجتماعی به سرکارهای خود برمی گردانند. آن‌هم بدون تجهیزات، بدون تیم‌های آماده و اورژانس پزشکی، بدون ایجاد وضعیت و شرایطی که مانع سرایت بیماری و انتشار و گسترش آن بشود. آخر انبوه کارگر و کارمند و مراجعین به دوایر دولتی در ازدحام جمعیت به هم چسبیده در متروها و اتوبوس‌ها و محل‌های کار راستی چه باید بکنند؟ آیا غیر از این است که رژیم عمد دارد آن‌ها را به سمت مرگ سوق بدهد؟ راستی چرا؟ چون خامنه‌ای و روحانی با همان الگوی جنگ ضد میهنی و قتل عام زندانیان سیاسی برای حفظ رژیم از خطر قیام و سرنگونی، استراتژی کلان تلفات انسانی و فرستادن مردم به میدان‌های مین کرونا را در پیش گرفته‌اند.

خمینی در کتاب حکومت اسلامی خود که پیش از به قدرت رسیدنش منتشر کرد، مرگ انبوه «یک طایفه» را به خاطر مصالح حکومت روا می‌داند.

وقتی هم که به قدرت رسید، جنگ شوم خود با عراق را برای رسیدن به قدس از طریق کربلا با یک میلیون کشته در طرف ایران، نعمت الهی نامید. وقتی در جنگ شکست خورد برای حفظ رژیم ۳۰ هزار زندانی سیاسی را قتل عام کرد که در حال گذراندن دوره محکومیت خود بودند.

حالا جانشین او خامنه‌ای با خونسردی جنایت بار می‌گوید «این مشکل در قیاس با بسیاری از مشکلات چیز کوچکی به حساب می‌آید».

از یاد نمی‌بریم که همین خامنه‌ای بود که دستور قتل‌های زنجیره‌یی را در دهه هفتاد داد و در اولین روز پس از شروع قیام آبان او بود که دستور کشتار و آتش به اختیار داد.

خامنه‌ای بود که دستور اخراج پزشکان بدون مرز را از ایران صادر کرد. در حالی که آن‌ها با توافق قبلی با وزارت خارجه همین رژیم به اصفهان آمده بودند تا فوراً یک بیمارستان دایر کنند.

بله همین خامنه‌ای است که فتوای دیوانه‌وار و ضداسلامی غسل دادن و کفن و دفن معمول در گذشتگان کرونا را صادر کرد که چیزی جز گسترش عمدی ویروس کرونا نیست.

به‌همین دلیل از روز اول شروع این بحران، مسعود کرونا‌ی ولایت را نشانه گرفت. راستی که بیت‌العنکبوت خامنه‌ای کانون صدور مرگ و بیماری و تروریسم و شکنجه و غارت و فساد است. به‌همین دلیل جوانان شورشگر و خیزش‌ها و قیام‌های مردم برای برچیدن بساط آن بی‌تابی می‌کنند.

حداقل وظایف یک حاکمیت مردمی

هموطنان عزیز،

اگر به‌جای ولایت فقیه در ایران حاکمیت مردم و رأی جمهور مردم برقرار بود حداقل‌ها را انجام می‌داد:

از اول وضعیت فوق‌العاده و اضطرار ملی اعلام می‌کرد و موضوع را با مردم در میان می‌گذاشت نه این‌که بیش از ۸۰ میلیون مردم ایران را در مورد موضوعی که به حیات و ممت تک تک آنها مربوط است، غافل نگهدارد و غافلگیر کند.

بعد، بساط ۲۲ بهمن و بساط انتخاباتش را جمع می‌کرد.

به‌جای آخوند و پاسدار و بسیجی و مزدوران بدنام اطلاعات، کار را به کاردان می‌سپرد، یعنی اطبا و متخصصان تا هر کجا را که لازم است، تعطیل کنند. از مساجد و زیارتگاه‌ها گرفته تا سینما و تئاتر و قطع پروازها و ترددات به نقاط آلوده و این‌که هر کجا را که لازم است قرنطینه کنند.

یک دولت ملی، اداره و کنترل امور را هم به شوراهای مردمی در محلات و مناطق مختلف شهری و روستایی می‌سپرد.

و نهایت تلاش را برای تأمین نیازمندی‌های مردم و بیمارستان‌ها انجام می‌داد.

برای دوران قرنطینه حقوق کارگر و کارمند و معلم و همه زحمتکش‌ها را تأمین می‌کرد.

سرمایه‌ها و دارایی‌های مردم را که به انحصار خودش در آورده، در اختیار مردم و در خدمت مردم قرار می‌داد.

یک دولت ملی پرستاران و پزشکان را قویاً مورد حمایت قرار می‌دهد. شرایط آسایش خانواده‌ها و کودکان آنها را فراهم می‌کند. کشیکها را چند برابر می‌کند. تجهیزات مورد نیاز پزشک و پرستار و همه کارکنان بیمارستان‌ها را تأمین می‌کند تا آنها مبتلا نشوند. وام‌های آنها را برعهده می‌گیرد، حقوقشان را افزایش می‌دهد تا آنها بتوانند هر چه بیشتر در خدمت بیماران باشند.

هم‌چنین بدهی صنایع به خصوص شرکت‌ها و صنایع کوچک را برعهده می‌گیرد تا مانع ورشکستگی آنها و بیکاری کارکنان بشود.

صبر کنید در وسط همین بحث، دو نکته را بگوییم: یکی این که جمعیت ایران واقعاً به نسبت چین و هند و اندونزی و بنگلادش خیلی کم است، دیگری این که ثروت ایران به نسبت بسیاری از کشورها واقعاً خیلی زیاد است. از منابع نفت و گاز و معادن گرفته تا موقوفات امام رضا در آستان قدس رضوی.

احمدی‌نژاد در اواخر سال ۹۶ یک قلم ثروت انباشته در بنیادهای تحت کنترل خامنه‌ای را ۷۰۰ تریلیون تومان به پول همان زمان نوشته بود. در آن زمان نرخ پول ایران در برابر دلار بیش از سه و نیم برابر امروز بود. آن روز هر دلار در بازار تهران حداکثر ۴۴۹۵ تومان بود و امروز ۱۶.۵۰۰ تومان است.

پس تکرار می‌کنم: یکی این که جمعیت ایران به نسبت چین و هند خیلی کم است و دیگری این که ثروت ایران به نسبت بسیاری کشورها خیلی زیاد است. پس مشکل کشور ما از قدیم شاه و شیخ بوده‌اند و نه کمبودها.

در مورد وظایف یک دولت ملی گفتم. اما تا جایی که به‌همین رژیم هم بر می‌گردد، حرف ما این است که رژیم واقعاً می‌تواند لااقل برای دوران قرنطینه دستمزد کارگر و حقوق کارمند را بدهد. می‌تواند تجهیزات و دارو برای مقابله با کرونا را به رایگان در اختیار همه بگذارد تا مردم طاقت و توان عبور از این دوران را داشته باشند.

بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها باید به‌عنوان یک وظیفه و ضرورت ملی بیماران کرونایی را بدون گرفتن هیچ پول و هزینه‌ی درمان کنند. دولت باید این پول را از ثروت‌ها و منابع ایران که تماماً متعلق به مردم ایران است، تأمین کند.

تمام صنایع نظامی و صنایع کارآمد باید تولید تجهیزات و نیازمندی‌های مقابله با کرونا را در چرخه و دستور تولید خود قرار بدهند.

من در پیام نوروز امسال به آمار وحشتناک ۶۰ میلیون نفر از جمعیت ایران که زیر خط فقر به‌سر می‌برند اشاره کردم شامل کارگران قراردادی و کشاورزان فقیر و حاشیه‌نشین‌ها و بیکاران و گرسنگان.

راستی چرا حکومت آخوندی که خود را اسلامی و حامی مستضعفان معرفی می‌کند این ۶۰ میلیون را از پرداخت پول آب و برق و گاز معاف نمی‌کند؟

چرا کشاورزان و روستاییان و باغ‌کاران و دامداران و تولیدکنندگان مواد غذایی از حمایت‌ها و تسهیلات مالی و فنی و آموزشی برخوردار نمی‌شوند؟

نتیجه این که می‌توان و باید در جنگ کرونا پیروز شد. اما نه با این دولت و با این حاکمیت.

برای این رژیم اصل بر حفظ نظام است و نه سلامتی مردم

آخوندها، این دشمنان سنگدل ایران و ایرانی، زندگی مردم را ناامن کرده‌اند. توده‌های مردم را بدون پشت و پناه گذاشته‌اند.

مردم و به‌خصوص محرومان و زحمتکشان در مقابل هیولای فقر تنها و بی‌یاور شده‌اند. و در مقابل هیولای بیماری بی‌دفاع و بی‌راه‌حل‌اند و به قول قرآن فریاد می‌زنند:

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا
وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا
وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا

پروردگارا ما را از این وضعیت در دیار ظالمان خارج کن. و از جانب خودت برای ما یک رهبری ذیصلاح قرار بده و از نزد خودت یک یار و یاور و بازوی استوار و کمک‌کار، معین کن.

خامنه‌ای و آخوندهای همدستش حفظ رژیم پوسیده خود را بر جان و زندگی میلیون‌ها ایرانی ترجیح داده‌اند و آن را از همه چیز واجب‌تر می‌دانند. به همین خاطر پاسدار و بسیجی و اطلاعاتی در بیمارستان‌ها مستقر کرده‌اند، تا واقعیت‌ها و آمار و ارقام واقعی درز نکند. تا لیست و اسامی و تعداد فوت‌شده و مبتلا فاش نشود. تا کسی اعتراض نکند و اگر حرفی زد سرکوب و دستگیر شود. به واقع در این‌جا، اصل، سلامت مردم و جامعه نیست، اصل بر حفظ نظام در برابر قیام و سرنگونی است.

به همین خاطر در همه جا گشت و کنترل را افزایش داده‌اند. به همین خاطر آخوندها بار دیگر به اعدام زندانیان و سیاست‌حداکثر ارباب مردم، رو آورده‌اند.

در ماه رمضان باز هم به قول قرآن :

وای بر سنگدلان،

وای بر حق‌ستیزان،

وای بر ستمگران،

وای بر دروغ‌گویان تبه‌کار،

بی‌تردید آخوندهای جنایتکاری که مردم را در این ابعاد به‌گرداب بیماری و مرگ کشاندند، حکومت‌شان از این گرداب خلاصی نخواهد داشت.

تا همین امروز آشفتگی و بی‌ثباتی چنان به‌جان رژیم افتاده که رسانه‌ها و تحلیل‌گران و حتی اعضای مجلس رژیم به یکدیگر در مورد قیام و «یک ابر جنبش اعتراضی» هشدار می‌دهند. یک روزنامه حکومتی نوشته بود: «اکنون تبعات اقتصادی کرونا و در پس آن، تبعات اجتماعی بیماری در کشور نمایان شده و فروپاشی اقتصادی و سپس فروپاشی اجتماعی در آینده نزدیک غیرقابل اجتناب خواهد بود و بروز مجدد نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی را در پی خواهد داشت. البته این بار اعتراضات شدیدتر و همراه با خشونت خواهد بود و می‌توان از آن به عنوان یک

ابرجنبش اعتراضی در کشور یاد کرد که بیشتر اقشار فرودست و متوسط جامعه در آن حضور خواهند داشت». (جهان صنعت-3 اردیبهشت).
بله امروز تمامیت رژیم به تنگی نفس افتاده و عاجی ندارد. موشک‌پرانی و نمایش‌های پرتاب ماهواره هم دیگر اثر ندارد.

باید در همه جا رژیم را نشانه گرفت

هموطنان!

راه نجات و آزادی این است که مردم ایران خودشان سرنوشت خودشان را به دست بگیرند.

در ماه رمضان، ماه علی علیه السلام «با تمسک به شیر پیروزمند خدا باید در همه جا رژیم را نشانه رفت».

هم‌چنان که مسعود گفت: «اگر برای رژیم ولایت فقیه هر مرگ یک فرصت و یک نعمت است، ما باید با شورش و جنگ صدبرابر آن را به تیک‌تاک قیام و ناقوس سرنگونی تبدیل کنیم». بله: «شورشگران پیروزی می‌سازند».

آری، تکرار می‌کنم که مردم ایران و فرزندان دلیرشان بر ویروس کرونا و ولایت برمی‌شورند و پیروز می‌شوند.

به شورش زندانیان مظلوم در خرم‌آباد و الیگودرز و مهاباد و عادل‌آباد شیراز و سقز و اهواز و تبریز و همدان و فشافویه تهران نگاه کنید.

به جوانان دلیر و کانون‌های شورشی بنگرید که ابتکار عمل را به دست گرفتند و هر روز پیام امید و شورش را به همه جا می‌برند.

این‌ها جرقه‌های آتشفشانی است که روزی فوران می‌کند و ارتش آزادی یعنی همان بازوی نصیر و مددکننده به پامی خیزد.

نیایش

خدایا در ماه تو و میهمانی تو با خودت مناجات و نیایش می‌کنیم و دست به دعا بر می‌داریم:

خدایا سلامت و بهبود بیماران را در همه شهرها و روستاهای ایران از تو مسئلت می‌کنیم.

خدایا مردم بی‌پناه و بی‌دفاع ما، بیماران مظلوم ما، هموطنان سرکوب‌شده و غارت‌شده ما جز تو فریادرسی ندارند.

پس در برابر این بیماری و در برابر شر آخوندهای حاکم رحمت واسعه‌تو را طلب می‌کنیم.
ای خدای بزرگ بر استقامت مردم ما در برابر بحران کرونا بیفزا، آن‌ها را در امان بدار و ایران و ایرانی را از شر ویروس ولایت فقیه نجات و رهایی ببخش.
خدایا بر مقاومت زندانیان و اسیران ما در شکنجه‌گاه‌های قضاییه و سپاه و اطلاعات آخوندها بیفزا.
به پرستاران و پزشکان از خودگذشته که در این چند ماه خود را سپر بلای بیماران کرده‌اند، یاری برسان. صبر و طاقت‌شان را بیشتر کن و آن‌ها را از بلای کرونا و آخوند و پاسدار در امان بدار.
خدایا کانون‌های شورشی را که به‌نبرد با کرونای ولایت برخاسته‌اند، یاری کن و بر مقاومت و جنگندگی آنها بیفزا.
ای خدای بزرگ!

به‌مسعود که فریاد درد و خشمش از بی‌پناهی مردم ایران، همه و به‌ویژه جوانان را به‌شورش و مقاومت و همبستگی و همیاری برمی‌انگیزد مدد کن تا با رهبری شایسته خود، کشتی بلازده میهن را به ساحل آزادی و سلامت و عدالت برساند.

به یاران او و مجاهدانش این شایستگی را عطا کن که بتوانند رژیم ولایت فقیه را سرنگون و مردم ایران را از شر این دشمنان ضدبشر رها کنند.

خدایا، مجاهدین و اعضا و یاران این مقاومت از مصائبی که در این روزها بر مردم‌شان وارد می‌شود، به خود می‌پیچند و روز و شب ندارند. آن‌ها را یاری کن تا اندوه و انگیزش خود را به نبرد صدبرابر تبدیل کنند و با پایداری صدچندان بر سر سوگندها و عهد و پیمان‌شان برای آزادی مردم و میهن اسیر، در همین نقشه مسیر به‌پیش بتازند تا ایران زمین از ۲ ویروس منحوس آخوند و کرونا پاکیزه شود.

خدایا همهٔ خون‌ها و نفس‌هایی را که مجاهدین در راه تو فدیة و انفاق کردند، به ثمر نهایی‌اش یعنی آزادی مردم ایران برسان.

رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أقدامَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَي الْقَوْمِ الْكافِرِينَ

خدایا ما را سرشار از پایداری کن.

گامهای مان را استوار گردان.

و ما را بر حق پوشان و مرتجعین پیروزی بخش.

رمضان این چنین مبارک می شود.

سلامت و خیر و برکت بر مردم ایران باد.

درگذشت یار صدیق مجاهدین معصومه جوشقانی

امروز صبح خواهر عزیزم معصومه جوشقانی یکی از یاران صدیق مجاهدین در پاریس از میان ما پر کشید و خانواده بزرگ مقاومت را سوگوار کرد.

بسیاری از زنان مجاهد و خواهرانی که در دهه ۶۰ در زندانهای رژیم آخوندی زندانی بوده اند یا کسانی که با اعضای شورای ملی مقاومت آشنایی دارند، معصومه را خوب می شناسند. او هوادار قدیمی سازمان مجاهدین از شروع حاکمیت خمینی بود و از زندانیان شکنجه شده در زندانهای خمینی.

کسی که در تمام این دوره طولانی مدافع صدیق مجاهدین بود و خدمات بی شائبه‌یی به مقاومت ایران کرد.

می خواهم به دکتر محمدعلی شیخی مسئول کمیسیون دانشگاهها در شورای ملی مقاومت ایران تسلیت بگویم و همین طور تسلیت‌های بسیار به مریم و سارا و آمیتیس عزیزم که چنین مادر والایی

را از دست داده‌اند و اکنون باید جای او را برای ما پرکنند. هم‌چنین به همه مجاهدین و خانواده بزرگ مقاومت تسلیت می‌گوییم.

همه مجاهدین و اعضای مقاومت خود را در غم و اندوه دکتر شیخی سهیم می‌دانند. راستی که ۴۰ سال هم‌سنگری بی‌وقفه دکتر شیخی با مسعود در شورای ملی مقاومت و مواضع راسخ‌اش در دفاع از اصول و مرزبندی‌های شورایی آموزنده و تحسین‌برانگیز بوده است.

معصومه با وجود گذشت سال‌های طولانی از دوره زندان‌اش شعله‌های آن مقاومت را در خود زنده نگه داشته بود. و به راستی از سمبل‌های مقاومت و ایستادگی الهام می‌گرفت.

او کتابی را از خاطرات دوران زندان با عنوان شورانگیز منتشر کرده بود که نام یکی از سمبل‌های مقاومت در همان دوره است؛ یعنی مجاهد شهید دکتر معصومه کریمیان.

او در این سال‌ها مدافع خستگی‌ناپذیر مجاهدین بود. مدافع خواهران و برادران‌اش که در اشرف و لیبرتی بودند و می‌گفت: همه روح و روانم نزد مجاهدان اشرفی است به‌خصوص خواهران هم‌بندم. به‌روان پاکش درود می‌فرستم و مطمئنم که از یاد نخواهد رفت. خوبی و پاکی و پایداری‌اش بخشی از وجدان این جنبش است و بر تعهد و مسئولیت همه اعضای این مقاومت برای به‌ثمر رساندن نبرد آزادی می‌افزاید.

بر روان پاک خواهر عزیزم معصومه و شور و شوقش برای آزادی و مقاومت: درود، درود، درود.

